

نقش تخطی از اصول گرایس در ایجاد نسل جدید لطیفه‌های ایرانی

رضا خیرآبادی*

دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، کارشناس گروه زبان‌های خارجی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۷

دریافت: ۹۱/۷/۲۲

چکیده

بررسی زبان‌شناختی طنز از دیرباز مورد توجه بوده و از زمان طرح نظریه معناساختی تولید طنز راسکین (1985) انسجام روش‌شناختی بیشتری یافته است. در کنار عواملی مانند عدم تجانس، ابهام و اغراق، نقض اصل همیاری مکالمه‌ای گرایس (1975) و اصول چهارگانه آن یکی از مهم‌ترین عواملی است که به ایجاد موقعیت طنز می‌انجامد. تأثیر نقض اصولی مانند اصل ارتباط و کیفیت بر ایجاد لطیفه و موقعیت طنز بارها از رویکردهای مختلف مطالعه شده است.

هدف این پژوهش، بررسی نقض اصول همیاری مکالمه‌ای گرایس و نقش آن در تولید لطیفه‌های موسوم به «پ نه پ» است که به تازگی در فضای اینترنت و پس از آن در گفت‌وگوهای روزمره گویشوران بسیار رواج پیدا کرده است. در این پژوهش، سازکار تولید این‌گونه لطیفه‌ها در قالب روند نمایی سه‌مرحله‌ای نمایش داده می‌شود. پرسش اصلی پژوهش این است که نقض اصول گرایس چگونه به خلق موقعیت طنز می‌انجامد و سازکار زبانی تولید این‌گونه از لطیفه‌ها چگونه است. چارچوب نظری پژوهش، اصل همیاری گرایس است و داده‌ها به صورت تصادفی از میان لطیفه‌های منتشرشده در فضای مجازی انتخاب شده‌اند. این نسل جدید از لطیفه‌های ایرانی از آنجا که ضعف‌های ارتباطی و اجتماعی جامعه را دست‌مایه طنز قرار می‌دهند، می‌توانند موضوع پژوهش‌های بیشتری به لحاظ زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی باشند؛ زیرا علاوه بر ویژگی‌های زبانی درخور توجه آن‌ها، عدم تمرکز این دسته از طنزها بر لهجه‌ها و اقوام، ویژگی جامعه‌شناختی مهمی به‌شمار می‌آید که از تغییر الگوی طنزهای ایرانی به سمت‌وسویی فارغ از توهین به خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام کشور خبر می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی، اصل همیاری مکالمه‌ای، نقض اصول گرایس، طنز.

۱. مقدمه و طرح مسئله

لطیفه‌ها یا به بیان رایج‌تر «جوک»^۱ ها گفته‌ها و جمله‌هایی هستند که همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده و از دیدگاه‌های مختلف زبانی بررسی شده‌اند. نکته درخور توجه درباره بسیاری از لطیفه‌های ایرانی، قوم‌محور و حتی لهجه‌محور بودن اکثریت قریب به اتفاق آن‌هاست که در بیشتر موارد موجب رنجش و آزرده‌گی اقوام و طبقات اجتماعی مختلف می‌شود و به هویت ملی کشور- که برابند خرده‌فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف است- آسیب می‌رساند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اقوام، خرده‌فرهنگ‌ها، لهجه‌ها و زبان‌های ایران در این لطیفه‌ها مورد تمسخر قرار می‌گیرند. شالوده بیشتر این لطیفه‌ها بر نمونه‌سازی از گروه‌های مختلف قومی و زبانی استوار است؛ به‌گونه‌ای که قالب آغازین بیشتر آن‌ها با عبارت کلیشه‌ای: «یک روز یک... (یکی از اقوام ایرانی)» آغاز می‌شود.

در سال‌های اخیر، شاهد هستیم که نسل جدیدی از لطیفه‌ها اغلب و ابتدا در فضای مجازی منتشر، و سپس کم‌کم در گفت‌وگوهای روزمره نقل شدند که به‌نظر می‌رسد واکنشی آگاهانه یا ناآگاهانه به این نقطه منفی لطیفه‌های ایرانی باشد (حسینی، ۱۳۹۰). به‌تازگی، دسته‌ای از این نوع لطیفه‌ها در حال انتشار است که با نام «پ نه پ» (کوتاه‌شده پس نه پس) شناخته می‌شوند و ساختاری مکالمه‌ای دارند. در این لطیفه‌ها، بیان پرسشی بدیهی و پاسخی غیرمنتظره از سوی مخاطب، موقعیتی طنزآلود ایجاد می‌کند.

تحقیق حاضر با درنظر گرفتن نظریه تعامل مکالمه‌ای و اصل همیاری گرایس^۲ به بررسی ساختار این لطیفه‌ها می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که میان نقض اصول گرایس (به‌ویژه اصول کمیت^۳ و ارتباط^۴) و ایجاد موقعیت طنز در ساختار این لطیفه‌ها چه نسبتی برقرار است. فرضیه پژوهش این است که در ساختار این‌گونه لطیفه‌ها نقض آگاهانه اصول گرایس به‌ویژه اصل کمیت، عامل ایجاد فضای طنزآمیز است. چارچوب نظری این پژوهش اصل همیاری گرایس است و داده‌ها به‌صورت تصادفی از میان لطیفه‌های منتشرشده در فضای مجازی انتخاب شده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه طنز و انواع آن تاریخچه‌ای طولانی دارد و برخی مانند اتردو^۵ (2008: 1203) پیشینه آن را به فیلسوفانی مثل افلاطون و ارسطو نسبت می‌دهند. اما اولین نظریه جامع زبان‌شناختی درباره طنز را که ماهیتی تلفیقی و مبتنی بر معناشناسی و کاربردشناسی دارد، اول‌بار راسکین^۶ در سال ۱۹۸۵م بیان کرد. انگاره پیشنهادی او در زمینه تحلیل درک طنز توسط مخاطب مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته و داده‌های مختلفی از زبان‌های متعدد با آن محک زده شده است؛ از جمله شریفی و کرامتی یزدی طنزهای زبان فارسی را با انگاره راسکین تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده‌اند:

به نظر می‌رسد که انگاره معنایی راسکین یک نظریه انتزاعی است که توانش طنز مخاطب را توصیف می‌کند و بنابراین نسبت به پردازش یا هر وجه دیگر عوامل طنزآمیز بی‌توجه می‌باشد. نتیجه بررسی لطیفه‌های زبان فارسی براساس این رویکرد حاکی از آن است که این نظریه اگرچه قابلیت پیاده شدن بر داده‌های زبان فارسی را دارد، به دلیل شیوه تحلیل پیچیده و زمان‌بر آن به نظر می‌رسد که نظریه کارآمدی برای تحلیل لطیفه‌های زبان فارسی نباشد (۱۳۸۹: ۱۰۷).

محمودی بختیاری و آدی‌بیک (۱۳۸۸) به مطالعه گفتمانی طنز در رسانه پیام کوتاه پرداخته و هدف از پژوهش خود را مطالعه گفتمانی و معرفی برخی از ویژگی‌های طنز کلامی متون پیام کوتاه فارسی اعلام کرده‌اند. در بسیاری از پیامک‌های طنز موجود در داده‌های این تحقیق، نقض اصول همیاری مکالمه‌ای به ایجاد طنز منجر شده و پس از این عامل، بقیه طنزها ناشی از انواع ابهامات، تشبیهات و استعارات و نیز طنزهای ناشی از اغراق و تناقض بوده است؛ به گونه‌ای که برهم زدن پیش‌انگاره مخاطب طنز بیشترین عامل ایجاد طنزهای پیامکی در داده‌های تحقیق ایشان ارزیابی شده است (محمودی بختیاری و آدی‌بیک، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

باغینی‌پور (۱۳۸۳) به نقل از محمودی بختیاری و آدی‌بیک، ۱۳۸۶: ۱۸۱) در جمع‌بندی نظریات راسکین درباره پیشینه تحقیقات انجام‌گرفته درباره طنز و شوخ‌طبعی به سه مکتب فکری اشاره می‌کند:

الف. نظریه ناسازگاری/ تناقض^۷ که طنز را نتیجه قرارگیری در دو موقعیت ناسازگار می‌داند.
ب. نظریه خصومت^۸ که شوخ‌طبعی را شکل متمدانه پرخاشگری و خشونت‌طلبی می‌داند.

ج. نظریه رهش^۹ که طنز را مفردی برای رها کردن انرژی ذهنی عصبی و روانی می‌داند. در سالیان اخیر، پژوهشگران حوزه‌های مختلف به اصل همیاری مکالمه‌ای گرایس و نقش تخطی از آن در شکل‌گیری انواع طنز بسیار توجه کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد، اکثر پیام‌های کوتاه طنز پیکره داده‌های تحقیق محمودی بختیاری و آدی‌بیک (۱۳۸۶) بر اثر تخطی از اصول گرایس پدید آمده است. اصول گرایس در کنار انگاره راسکین و نظریه ارتباط^{۱۰} اسپربر و ویلسون^{۱۱} (۱۹۸۶) مهم‌ترین نظریاتی هستند که در تحلیل ساختار زبانی طنزها به‌کار گرفته شده‌اند. در بخش بعد اصل همیاری مکالمه‌ای گرایس و اصول چهارگانه آن را معرفی خواهیم کرد.

۳. چارچوب نظری و روش تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش بر اصل همیاری مکالمه‌ای گرایس استوار است. هربرت پل گرایس^{۱۲} (۱۹۶۷) در سخنرانی‌های خود در دانشگاه هاروارد مجموعه قوانینی را معرفی کرد که از نظر او، از هریک از طرفین مکالمه عادی انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. او این قوانین را در قالب اصلی موسوم به اصل همیاری مکالمه‌ای (CP) به این شکل زیر بیان کرده است: «در هر مرحله از مکالمه، سهم خود را متناسب با هدف پذیرفته‌شده یا سمت‌وسویی از مکالمه که در آن قرار گرفته‌اید ایفا نمایید.» (Grice, 1975: 26).

در نگاه نخست، ممکن است این اصل بازنمایی آرمانی ارتباطات انسانی به‌نظر برسد؛ اما گرایس هرگز از کاربرد اصطلاح «همیاری» قصد نداشته است دیدگاهی آرمانی درباره نحوه برقراری ارتباطات انسانی بیان کند (لیندبلوم^{۱۳}، ۲۰۰۹ به نقل از Mey, 2000: 152). هدف گرایس از بیان اصل همیاری، تلاش برای توصیف چگونگی برقراری ارتباط و معناداری مکالمه‌های انجام‌گرفته باوجود ماهیت پراکنده و یا حتی مجادله‌آمیز ارتباطات بشری است. او می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که بشر چگونه قادر است باوجود تمام کاستی‌ها، سوءتفاهم‌ها و پیچیدگی‌های فرایند ارتباط، منظور طرف مقابل را در تعاملات روزمره بفهمد و منظور خود را منتقل کند.

گرایس اصل همیاری مکالمه‌ای خود را اول‌بار در مقاله «منطق و مکالمه» در سال ۱۹۶۷م

در دانشگاه هاروارد بیان کرد و سپس در سال ۱۹۷۵م آن را در مجموعه‌ای که کول و مورگان^{۱۴} ویراستاران آن بودند به چاپ رساند. سرانجام، نسخه بازنگری شده مقاله در کتاب بسیار شناخته شده *مطالعاتی در شیوه واژه‌ها*^{۱۵} (1989) منتشر شد. از آنجا که نسخه اخیر آخرین و کامل‌ترین ویراست این مقاله است، در پژوهش حاضر به آن ارجاع می‌دهیم. گرایس در مقدمه کتاب *مطالعاتی در شیوه واژه‌ها* (1989)، کاربست اصل تعاون را عامدانه و آگاهانه به مکالمه‌هایی محدود می‌کند که یکی از این سه شرط را داشته باشند:

۱. مشارکت‌کنندگان در مکالمه هدف مشترک و یکسانی داشته باشند.

۲. نحوه مشارکت مکالمه‌کنندگان به هم وابسته و مرتبط^{۱۶} باشد.

۳. نوعی از درک (اغلب ضمنی) بین مشارکت‌کنندگان در گفت‌وگو وجود دارد که طی آن، تا زمانی که شرایط مکالمه ثابت باقی بماند، تعامل گفتمانی باید به شیوه‌ای مناسب ادامه یابد مگر اینکه هر دو طرف گفت‌وگو به این توافق برسند که مکالمه باید خاتمه یابد (Grice, 1989: 29).

با وجود شروطی که گرایس برای کاربست CP قائل می‌شود، باز هم غالب گفت‌وگوها در چارچوب اصل همیاری قرار می‌گیرند و از آن پیروی می‌کنند. به زعم گرایس، «مکالمه‌های ما [...] ماهیتاً، حداقل تاحدودی، تلاش‌هایی همیارانه هستند و هریک از دو طرف حاضر در مکالمه هدف یا اهداف مشترک یا حداقل جهت‌گیری‌های مورد توافقی را در آن مکالمه تشخیص می‌دهد.» (Ibid: 368-369).

گرایس اصل همیاری را «أب‌اصل»^{۱۷} می‌نامد که خود از دل چهار اصل مکالمه‌ای دیگر برآمده است. او با نیم‌نگاهی به آرای کانت^{۱۸}، اصول همیاری مکالمه‌ای را این‌گونه تبیین می‌کند (Ibid: 28):

۱. اصل کمیت:^{۱۹} به اندازه مورد نیاز اطلاعات بدهید نه بیشتر.

۲. اصل کیفیت:^{۲۰} آنچه ناصحیح است یا برای اثبات آن شواهد کافی در اختیار ندارید، نگویند.

۳. اصل ارتباط:^{۲۱} مرتبط صحبت کنید؛ به این معنا که سخنتان مرتبط با موضوع باشد.

۴. اصل شیوه (روش):^{۲۲} واضح، منظم و به دور از ابهام صحبت کنید (Ibid: 28).

البته، گرایس هم به این واقعیت آگاه است که تمام مکالمه‌ها همواره از اصل همیاری و اصول چهارگانه آن پیروی نمی‌کنند و نقض این اصل و اصول مشتمل بر آن به تلویح^{۲۳}

می‌انجامد. منظور از تلویح مکالمه‌ای،^{۲۴} نقض یکی از اصول گرایس به شیوه‌های مختلف است که اغلب اصطلاح «نقض اصول گرایس»^{۲۵} برای اطلاق به آن استفاده می‌شود. گرایس در آثار خود انواع مختلفی از راهبردهای زبانی را برای تخطی و نقض اصول برمی‌شمارد؛ از جمله طنز، استعاره، تحقیر، مبالغه، ابهام عامدانه و تیرگی معنایی عامدانه.^{۲۶} در مکالمه زیر شاهد نقض اصل ارتباط از اصول همیاری مکالمه‌ای گرایس هستیم:

- امشب به مهمانی می‌آیی؟

- امتحان فردا خیلی سخت است (Yule, 1996: 37).

در مکالمه بالا، پاسخ داده‌شده به پرسش نقض اصل ارتباط است و به‌ظاهر هیچ ارتباطی با سؤال ندارد؛ حال اینکه پاسخ‌دهنده به‌طور تلویحی قصد دارد یادآوری کند فردا امتحان دارد و در نتیجه نمی‌تواند به مهمانی برود.

در این پژوهش، نقش تخطی از اصول گرایس به‌ویژه اصل ارتباط و کمیت در ایجاد موقعیت طنز در لطیفه‌های موسوم به «پ نه پ» بررسی و مراحل خلق این‌گونه طنزها در قالب روند نمایی سه‌مرحله‌ای نمایش داده می‌شود.

این پژوهش به‌روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌های آن به‌صورت تصادفی از میان لطیفه‌های منتشرشده در فضای مجازی انتخاب و تحلیل شده است؛ به این ترتیب که صد لطیفه از مجموعه لطیفه‌های «پ نه پ» که در فضای اینترنت از جمله وبلاگ‌های شخصی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خبری مانند سایت خبری «عصر ایران» (www.asriran.com) منتشر شده‌اند، به‌عنوان داده‌های تحقیق انتخاب و در چارچوب نظریه تعامل مکالمه‌ای گرایس بررسی شده‌اند.

۴. داده‌های تحقیق

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، داده‌های این پژوهش به‌صورت تصادفی از بین صد لطیفه منتشرشده در فضای مجازی انتخاب شده است. داده‌ها به‌ویژه از مطالب سایت «عصر ایران»- که بخشی را به انتشار این‌گونه لطیفه‌ها اختصاص داده- برگزیده شده است. در ادامه، بیست مورد از صد لطیفه بررسی‌شده در این پژوهش به‌عنوان نمونه‌هایی از

داده‌های تحقیق می‌آید:

۱. رفتم الکتریکی می‌گم آقا، سه‌راهی دارین؟ می‌گه سه‌راه برق؟!
«پَ نه پَ؟» سه‌راه آذری، دریست؟!
 ۲. به دوستم می‌گم دارم واسه چند روز می‌رم آبادان. می‌گه واسه کار داری میری؟!
«پَ نه پَ؟» یه دماسنج خریدم دارم می‌رم تو دمای بالای ۵۰ درجه تستش کنم؟!
 ۳. نصف شب، یکی از بالا درمون پرید تو حیاط. داداشم گفت: علی، دزده؟!
«پَ نه پَ؟» «زُورُو» داره از دست گروهیان گارسیا درمی‌ره؟!
 ۴. پسره اومده خواستگاریم می‌گم من الآن می‌خوام درس بخونم. می‌گه یعنی چند سال دیگه می‌خوای ازدواج کنی؟!
«پَ نه پَ؟»، ۱۰ دقیقه صبر کنی این صفحه‌رو بخونم درسم تموم میشه؟!
 ۵. یارو نشسته کنار خیابون نوک دماغش چسبیده به زمین. دوستم می‌گه: معتاده؟!
می‌گم: «پَ نه پَ؟»، می‌خواد انعطاف بدنشو به رخ بکشه؟!
 ۶. کارت‌مو دادم به بلیط‌فروش مترو. می‌گه شارژش کنم؟!
می‌گم «پَ نه پَ؟» می‌رم از شارژ خورشیدی استفاده می‌کنم؟!
 ۷. بچه دایم به دنیا اومده. همه خوشحال و اینا. مامان بزرگم برگشته می‌گه حالا می‌خواین براش اسم بذارین؟!
«پَ نه پَ؟» می‌خوایم همین جوری ولش کنیم. اسمش بشه نیو فولدر؟!
 ۸. دارم با تلفن حرف می‌زنم. زنم می‌گه دوستت بود؟!
«پَ نه پَ؟» سارکوزی بود درمورد مناقشات اخیر خاورمیانه نظرم می‌خواست؟!
 ۹. تو صفِ بربری نوبتم شده، یارو می‌گه بربری می‌خوای؟!
«پَ نه پَ؟» اومدم از شاگردت تایپ یاد بگیرم.
 ۱۰. با ماشین افتادیم ته دره یارو می‌گه زنگ بزنگ آمبولانس بیاد؟!
می‌گم: «پَ نه پَ؟» یه مشکل درون خانواده‌س خودمون حلش می‌کنیم؟!
 ۱۱. صدای خروپفش کشت‌مون! تکونش دادم از خواب پریده، می‌گه سَرُو صِدَام اذیتت می‌کنه؟!
- می‌گم: «پَ نه پَ» جنس صداتُ دوست دارم. می‌خواستم بت بگم سعی کن تو اوج که می‌ری



رو تحریرات بیش‌تر کارکنی؟!

۱۲. تو تاکسی تنها نشستم می‌خوام کرایه حساب کنم طرف می‌گه یک نفر؟!

می‌گم: «پَ نه پَ» دو نفر حساب کن، خورزوخان هم هست؟!

۱۳. حالا از تاکسی پیدا شدم به راننده نیگا می‌کنم، می‌گه باقی پولت می‌خوای؟!

می‌گم: «پَ نه پَ» می‌خوام یه دل سیر نیگات کنم که می‌ری دلتنگت نشم؟!

۱۴. به دوستم می‌گم ببین تَن ماهی تاریخ انقضاش کی‌یه؟ می‌گه یعنی تاریخ خراب

شدنش؟!

گفتم: «پَ نه پَ»، تاریخ عروسی ننه بابای ماهی‌اس. می‌خوام واسه‌شون جشن سالگرد

بگیرم؟!

۱۵. رفتم فروشگاه می‌گم سیخ داری؟ می‌گه برا کباب؟!

«پَ نه پَ» برا خاروندن دیافراگم از تو دهنم می‌خوام؟!

۱۶. تو آشپزخونه استکان و قندون از دستم افتاد شکست، با صدای خفن. مامان اومده

می‌گه چیزی شکوندی؟!

«پَ نه پَ» شیشه نازک تنهایی دلم بود، منتها صداش گذاشتم رو اِکو حال‌کنین؟!

۱۷. کارت سوخت ماشین برداشتم دارم میرم. بابام می‌گه می‌ری بنزین بزنی؟!

«پَ نه پَ» می‌رم آب هویچ بریزم تو باکش، نور چراغاش زیاد شه؟!

۱۸. مرغ عشق‌ام مرده و درحالی که پاهاش روبه بالاس، افتاده کفِ قفس. دوستم اومده

می‌گه: مرغ عشقت مرد؟! بهش گفتم: «پَ نه پَ» کمر درد داشته دکتر گفته باید طاق‌باز

دراز بکشه کفِ قفس؟!

۱۹. تو بهشت زهرا دنبال قبر یکی می‌گشتیم. یه آدم خوشحال اومده داره با ما رو سنگ

قبرار می‌خونه. بعد می‌گه دنبال قبر کسی می‌گردین؟!

«پَ نه پَ» دستیار عزرائیل‌ام. اومدم ببینم کسی زودتر از موقع نمرده باشه؟!

۲۰. ساعت ۱۱ اومدم خونه مامانم می‌گه الان اومدی؟!

می‌گم: «پَ نه پَ» دو ساعت پیش اومدم الان تکرارش داره پخش می‌کنه؟!

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی داده‌های تحقیق نشان‌دهنده استفاده عامدانه از تکنیک نقض اصول گرایس به‌ویژه دو اصل «کمیت» و «ارتباط» در خلق موقعیت‌های طنز است. برای مثال در نمونه شماره یک، در مغازه الکتریکی واژه «سه‌راهی» فقط مفهوم «سه‌راهی برق» را داراست نه سه‌راهی از نوع دیگر مثلاً «سه‌راهی خیابان»؛ از این رو پرسش فروشنده نقض اصل کمیت (به‌اندازه اطلاعات بدهید نه کمتر و نه بیشتر) و بیش از آن نقض اصل شیوه (مرتبط صحبت کنید و از طرح موارد غیرمرتبط با موضوع بپرهیزید) است. همین موضوع زمینه را برای پاسخ طنزآلود فرد مخاطب که مبتنی بر ابهام معنایی یا چندمعنایی «سه‌راهی» است، فراهم می‌آورد. این توقع از سوی فروشنده که خریدار سؤال خود را به‌صورت «سه‌راهی برق دارید؟» بیان کند، نقض اصل کمیت است؛ زیرا در فروشگاه الکتریکی «سه‌راهی» به‌معنای سه‌راهی برق است؛ به‌ویژه وقتی در باهم‌آیی با فعل «داشتن» به‌کار رود. پاسخ نفر دوم با در نظر گرفتن این پیش‌فرض و استفاده از معنای دوم «سه‌راهی» که به این بافت زبانی مرتبط نیست، به ایجاد فضای طنز منجر می‌شود. این فرایند در اکثر این‌گونه طنزها دیده می‌شود. برای نمونه در مثال شماره دو، رفتن به اهواز متضمن این پیش‌فرض است که فرد مسافر برای یافتن کار به این شهر می‌رود؛ پس طبق اصل کمیت، نیازی به ذکر این موضوع و طولانی کردن بی‌دلیل فرایند مکالمه احساس نمی‌شود. اما وقتی نفر دوم، درباره این پیش‌فرض بدیهی انگاشته‌شده سؤالی مطرح می‌کند، نفر اول با ارجاع به دورترین معنا و بی‌ربط‌ترین کاربرد مرتبط با بافت مورد نظر به خلق طنز می‌پردازد.

با بررسی داده‌های تحقیق مهم‌ترین ویژگی‌های لطیفه‌های «پ-نسه پ» عبارت‌اند از:

۱. ساختار مکالمه‌ای این لطیفه‌ها در قالب گفت‌وگوی دونفره است و اغلب از سه پاره‌گفتار تشکیل می‌شود؛ به‌طوری که توصیف بافت یا تولید پاره‌گفتار اول و سوم توسط یک نفر بیان می‌شود و به‌اختصار به این شکل است: «الف-ب-الف».
۲. در جمله اول، گوینده به خلق یک بافت با پیش‌فرض اقدام می‌کند. پیش‌فرض چیزی است که گوینده دانستن آن را برای شنونده بدیهی می‌انگارد (Yule, 1996: 26).
۳. در جمله دوم، مخاطب با طرح سؤال، بافت یا پیش‌فرض مورد نظر گوینده را مورد پرسش قرار می‌دهد و به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه، اصل همیاری مکالمه‌ای گرایس



نقض می‌شود.

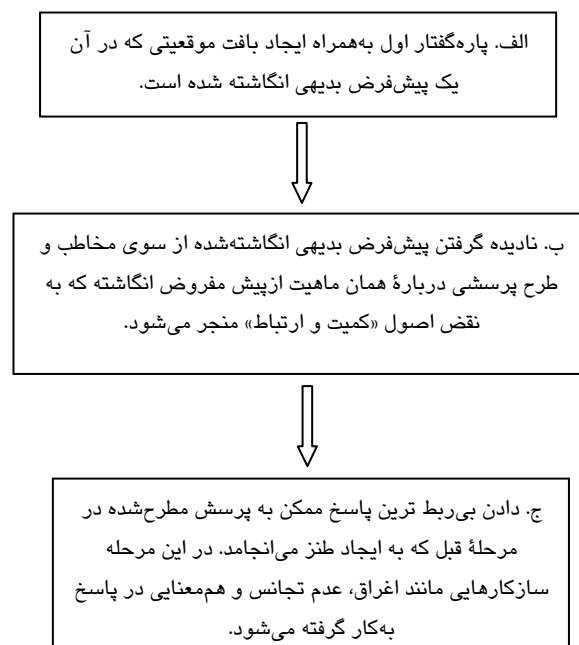
۴. در پاره‌گفتار سوم که با عبارتِ قالبی «پَ نه پَ» آغاز می‌شود، نفر اول با پاسخی بسیار دور از ذهن و دور از نیت یا منظور اولیه که با بافت مکالمه مغایرت دارد، فضای طنزآلودی ایجاد می‌کند.

فرایند رخ داده در تولید این طنزها به این شرح است:

الف. یک بافت موقعیت^{۲۷} که دربرگیرنده پیش‌فرض است، ایجاد می‌شود. گاه در این بافت شاهد کاربرد واژه یا واژه‌هایی دارای شمول معنایی، هم‌نامی و یا هم‌معنایی واژگانی هستیم که با درنظر گرفتنِ بافت، از معنای آن واژه رفع ابهام می‌شود.

ب. مخاطب جمله اول با طرح یک پرسش، پیش‌فرض بدیهی انگاشته‌شده توسط نفر اول را مورد تردید قرار می‌دهد که این به معنای درخواست نفر دوم برای افزوده شدن اطلاعات اضافی و بدیهی به بافت مکالمه و در نتیجه، نقض اصول «کمیت» و «ارتباط» است. این موضوع که طرف دوم مکالمه متوجه پیش‌فرض بدیهی فرایند مکالمه نشده، از او تصویر فردی کند ذهن و ابله ارائه می‌دهد که به خلق موقعیتی طنزآلود می‌انجامد. در این‌گونه از خلق موقعیتِ طنز، هیچ نیازی به ذکر ویژگی‌های فردی یا قومیتی نفر دوم مکالمه نیست؛ از این‌رو این گروه از لطیفه‌ها به‌دور از مطالبی درباره لهجه‌ها و اقوام هستند. البته، ممکن است این‌گونه لطیفه‌ها در گذر زمان دچار آفت لطیفه‌های رایج شوند و مسائل مربوط به اقوام را دست‌مایه خود قرار دهند؛ اما تاکنون به‌نظر می‌رسد که از گزند این نقیصه دور بوده‌اند.

ج. طرف اول مکالمه با ارجاع به معنای دور از ذهن و دور از منظور اولیه که با بافت مکالمه مغایرت دارد، به‌نوعی به ناآگاهی و سؤال بی‌ربط طرف دوم مکالمه واکنش نشان می‌دهد.



شکل ۱ روند نمای تولید لطیفه‌های «پَ نه پَ»

اکنون با در نظر گرفتن روند نمای تولید این دسته از لطیفه‌ها سعی می‌کنیم یکی از آن‌ها را تولید کنیم:

الف: آخرای امتحان از ته سالن بلند می‌شوم، می‌یام اول سالن و برگه‌مو می‌دم به استاد. (ایجاد بافت موقعیت با این پیش‌فرض بدیهی که دانشجو به سؤالات پاسخ داده و امتحان را به پایان رسانده است.)

ب: استاد با تعجب می‌گه تموم شد؟!

الف: می‌گم: «پَ نه پَ؟» او مدم یه کم قدم بزنم آرتروز زانوم خوب بشه!

فارغ از اینکه لطیفه ساخته شده تا چه میزان خنده‌دار و مفرح باشد، به خوبی می‌توان روند ایجاد چنین لطیفه‌ای را در آن مشاهده کرد. نقش عبارت «پَ نه پَ؟» در آغاز مرحله سوم این مکالمه به نوعی عبارت کلیشه‌ای «یه روز یه...» را یادآوری می‌کند که آغازگر بسیاری از

چوک‌های توهین‌آمیز بوده است؛ با این تفاوت که در این عبارت و لطیفه‌های «پَ نه پَ» ارجاع به هیچ قوم و لهجه خاصی مشاهده نمی‌شود و از این نظر، ماهیت این دسته از لطیفه‌ها خنثی و عاری از توهین است.

۶. نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، توجه به خلقِ لطیفه‌های فاقدِ گرایش‌های قومی و لهجه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌ای از این لطیفه‌ها که در فضای مجازی سایت‌های ایرانی رواج یافته، به لطیفه‌های «پَ نه پَ» موسوم شده است. در این مقاله، ساختارِ زبانی این لطیفه‌ها بررسی و از دیدگاه اصل همیاری گرایس تحلیل شده است. به نظر می‌رسد در تعداد فراوانی از این دست لطیفه‌ها نقضِ اصولِ همیاری مکالمه‌ای به‌ویژه اصول «کمیت و ارتباط» باعث ایجاد موقعیت طنز می‌شود. به لحاظ ساختاری، این لطیفه‌ها از نظم و انسجام زیادی برخوردارند و اغلب از نقض اصول گرایس و نادیده انگاشتن پیش‌فرض‌های بدیهی منتج از بافت برای ایجاد فضای طنزآلود استفاده می‌کنند. تحقیق حاضر ضمن اینکه تلاشی نظام‌مند برای تحلیل زبان‌شناختی لطیفه‌ها به‌عنوان عناصرِ زبانی فرهنگ‌محور است، مؤیدِ عملکردِ اصول چهارگانه گرایس و همیاری مکالمه‌ای مورد نظرِ این فیلسوف زبان‌شناس است و نشان می‌دهد نقض اصول همیاری مکالمه‌ای تا چه میزان به غیرطبیعی شدن و حتی مسخره به‌نظر رسیدن یک تعامل گفتمانی منجر خواهد شد. نتایج این تحقیق علاوه بر تأیید عملکرد نظریه تعامل مکالمه‌ای گرایس، تأکید می‌کند که دادن اطلاعات اضافی و نامربوط در یک تعامل مکالمه تا چه میزان می‌تواند به خارج شدن آن مکالمه از چارچوب طبیعی منجر شود و در نتیجه مسخره‌آمیز بنماید. مجموعه لطیفه‌های «پَ نه پَ» از آنجا که ضعف‌های ارتباطی و اجتماعی جامعه ایرانی را دست‌مایه طنز قرار می‌دهند، می‌توانند از دیدگاه زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی و در ابعاد مختلف مطالعه و بررسی شوند. از این رو، آشنایی با سازکار زبانی ایجاد طنز در این لطیفه‌ها را می‌توان گام نخست مجموعه‌ای از پژوهش‌های تکمیلی دانست که علاوه بر مطالعه جامعه‌شناختی لطیفه‌های ایرانی، ویژگی‌های زبانی آن‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. jokes
2. Grice co-operative principle
3. maxim of quality
4. maxim of relevance
5. Attardo
6. Raskin
7. incongruity
8. hostility
9. aprousal
10. relevance theory
11. Sperber and Wilson
12. H. Paul Grice
13. Lindbloom
14. Cole & Morgan
15. *Studies in the Way of Words*
16. dovetailed
17. super principle/ supreme principle
18. Kant
19. maxim of quantity
20. maxim of quality
21. maxim of relation
22. maxim of manner
23. implicature
24. conversational implicature
25. maxim flouting
26. deliberate obscurity
27. context of situation

۸. منابع

- باغینی‌پور، مجید (۱۳۸۳). «اقتناع و برخی تدابیر آن: بحثی در سخن‌کاوی انتقادی». *مجله زبان‌شناسی*. ش ۱۹. صص ۶۷-۸۸.
- حسینی، نگین (۱۳۹۰). «نگاه ارتباطی به پدیده موسوم به پَ نه پَ». *ماهنامه مدیریت ارتباطات*. ش ۱۶. صص ۲۶-۳۸.
- شریفی، شهلا و سریرا کرامتی یزدی (۱۳۸۹). «معرفی نظریه انگاره معنایی طنز و بررسی



- ایرادات آن بر مبنای داده‌های زبان فارسی». *فصلنامه جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. ش ۲. صص ۸۹-۱۰۹.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چ ۲. تهران: سوره مهر.
 - محمودی بختیاری، بهروز و آرزو آدی‌بیک (۱۳۸۸). «تلفن همراه به‌عنوان رسانه مکتوب: مطالعه گفتمانی متون طنز پیام کوتاه فارسی». *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۵. صص ۱۷۵-۱۹۸.
 - Attardo, S. (2008). *Semantics and Pragmatics of Humor*. Oxford: Blackwell.
 - Grice, H.P. (1975). "Logic and Conversation" in P. Cole & J.L. Morgan (Eds.). *Syntax and Semantics: Speech Acts 3*. New York: Academic Press.
 - _____ (1989). *Studies in the Way of Words*. Cambridge: Harvard University Press.
 - Lindblom, K. (2009). "Cooperative Principle" in J.L. Mey (Ed.). *Concise Encyclopedia of Pragmatics*. London: Elsevier Ltd.
 - Mey, J.L. (2009). *Concise Encyclopedia of Pragmatics*. Second Edition. Elsevier Ltd.
 - Raskin, V. (1985). *Semantic Mechanisms of Humor*. Dordrecht, the Netherlands: D. Reidel.
 - Sperber, D. & D. Wilson (1995). *Relevance: Communication and Cognition*. Oxford: Blackwell.
 - Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford University Press.

Translated Resources:

- Baghini Pour, Majid (2004). "Satisfaction and Its Strategies: a CDA Discussion". *Journal of Linguistics*. No. 19. Pp. 67-88 [In Persian].
- Hosseini, Negin (2011). "A Communicative Look at the So-called Pa-Na-Pa Phenomenon" *Journal of Communication Management*. No. 16. Pp. 26-38 [In Persian].

- Mahmoudi Bakhtiyari, Behrooz & Arezoo Adibeyk (2009). "Mobile Phone as a Textual Media: Discursive Study of Satiric Texts of Persian SMS". *Journal of Persian Language and Literature Researches*. No.5. Pp. 175-198 [In Persian].
- Safavi, Kouros (2004). *An Introduction to Semantics. Second Edition*. Tehran: Soureya Mehr Publication [In Persian].
- Sharifi, Shahla & Sarira Keramati Yazdi (2010). "An Introduction to the Semantic Script Theory of Humor and the Study of its Weaknesses on the basis of Persian Language Data". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. Vol.1. No.2. PP. 89-109 [In Persian].